

• ارزیابی و مصاحبه بالینی

- مصاحبه [interview] عبارت است از یک موقعیت کنترل شده که در آن یک یا چند فرد مصاحبه گر از یک فرد مصاحبه شونده مجموعه ای از پرسش ها را می پرسند.
- فرد مصاحبه گر مسئول هدایت پرسش های مصاحبه است.
- یکی از انواع مصاحبه ها “مصاحبه بالینی” [clinical interviewing] است که هدف آن تشخیص مشکل مراجع است که اولین شرط آن برقراری اعتماد [trust] در مراجع است.

اهداف ارزیابی روان شناختی

• طبقه بندی و تشخیص

• توصیف

• پیش بینی

فرایند کلی ارزیابی روان شناختی

- ◆ طرح ارزیابی (چرا این مراجع ارزیابی می شود؟ یا دلیل ارجاع)
- ◆ جمع آوری داده ها (از طریق مصاحبه بالینی، مشاهده، ارزیابی غیر رسمی و بررسی موارد ثبت شده قبلی در پرونده مراجع)
- ◆ پردازش داده ها (سازماندهی و تفسیر داده ها، قضاوت بالینی)
- ◆ برقراری ارتباط میان یافته ها (تعریف اطلاعات بدست آمده، دلایل ارجاع، اطلاعات پیش زمینه ای، مشاهدات رفتاری، نتایج ارزیابی، تشخیص، تفسیر، تلخیص و ارائه پیشنهادها)

نکاتی که در اجرای ارزیابی بالینی باید در نظر داشته باشید (وینسن پترسون):

- هر شخصی منحصر به فرد است، بنابراین به هنگام ارزیابی افراد به دنبال کشف این جنبه منحصر به فرد او باشید.
- به تنوع (تفاوت های) وجودی درون یک فرد و نیز تفاوت های فردی توجه کنید.
- ارزیابی مناسب مستلزم مشارکت ارزیابی شونده، در جریان ارزیابی است.
- حتی در یک ارزیابی درست نیز احتمال خطا در ابزار سنجش و فرد آزمون گر (ارزیابی کننده) وجود دارد، بنابراین هر آزمونی دارای خطا است (یعنی یک ارزیابی درست، هم توسط ابزارها و هم پرسنل دچار محدودیت می شود).
- از آنجا که ارزیابی باید همه جانبه باشد، در صورتی که ناچار از ارزیابی هستید، هم داده های مثبت و هم داده های منفی را در ارزیابی دخالت دهید.

• در ارزیابی افراد به اصول اخلاقی ارزیابی توجه کنید.

اصول ارزیابی (فیشر، ۱۹۸۵)

- موضع توصیفی به خود بگیرید (Be descriptive): رفتار را مشاهده کنید و توصیف های ساده ای از رفتار مراجع تدارک ببینید، همراه با معنایی را برای ارزیابی کننده دارد

• به زمینه‌ها توجه کنید (Be contextual): توصیف رفتارها، هم در جلسه ارزیابی و هم بیرون از جلسه، مستلزم توصیف شرایط زمینه‌ای آن است. زمینه شامل مجموعه فیزیکی، مقطعی از زمان که رفتار در آن اتفاق افتاده است، رابطه ارزیابی کنند، با مراجع، و اینکه معنای موقعیت ارزیابی کننده برای مراجع چگونه برآورد می‌شود.

• موضع مشارکت جویانه داشته باشید

(Be collaborative): مراجع باید ترغیب شود که اطلاعات بدهد در طول مصاحبه مشارکت کننده فعالی باشد و همه آنچه از او می‌خواهند را بنویسد. به عنوان یک کمک مصاحبه گر، مراجع تصدیق کننده بخشی از مسؤولیت گذشته و آینده به عنوان زمینه ساز و مستعد کننده برای کمک به رشد خودش می‌باشد. بنابراین مصاحبه یا ارزیابی یک فرایند محرمانه که به دور از چشم مراجع اطلاعات جمع می‌شود نیست.

• مداخله گر باشید (Be interventional)

ارزیابی از هر نوع که باشد همیشه بر مراجع تأثیر دارد. هم به شیوه مثبت و هم به شیوه منفی. مهم است که مداخله تا جایی که ممکن است سازنده باشد. این مداخله‌ها هم متوجه شیوه‌ها و روشهای مراجع است، هم به ارزیابی امکانات جاری مراجع متمایل است، و هم به شیوه‌های متفاوت از آنچه در حال حاضر وجود دارد بستگی دارد. اگر ارزیابی به شکل درمانگرانه انجام شود، اثر مثبتی بر مداخله روانی خواهد داشت.

• ساختارگرا باشید (Be structural): رفتار بر حسب داده‌های مشاهده شده در یک زمینه و چگونگی ایجاد آنها، توصیف

می‌شود. چه چیزی؟ چه موقع؟ و چگونه را باید به عنوان آنچه از طریق رفتار خاصی به نظر می‌رسد پرسید. سؤال چرا؟ معمولاً کارگشا نیست. چون با علتها سر و کار دارد، که قابل مشاهده یا توصیف عملی نیستند.

• محتاط و ملاحظه کار باشید (Be circumspect): شرایط اجازه نمی‌دهد که شما همه چیز را ارزیابی کنید. ابزارهای

اندازه گیری همگی خطای اندازه گیری دارند و ارزیابی کننده همواره به عنوان شخصی است که می‌تواند خطا کند. از لحاظ نظری، یک متخصص دارای تاریخچه فردی و فرهنگی محدود است.

هرگونه مداخله مؤثر دارای ۵ مرحله است که ۳ مرحله آن به شناخت بستگی دارد:

• شروع و توجه Attending

• اکتشاف Exploration

• درک Understanding

• عمل Action

• پایان Termination

مصاحبه اولیه (سوزان استیون، ۲۰۰۵)

اغلب مشاوران از مهارت‌های مصاحبه برای شروع فرایند درمان استفاده می‌کنند و اطلاعات بالینی خود را جمع آوری می‌کنند.

مصاحبه اولیه معمولاً شامل اطلاعاتی در مورد دامنه، گستره، نگرانی‌ها، موقعیت جاری و جزئیات مشکل مراجع است.

اطلاعات زمینه‌ای، مشکل فعلی فرد را آشکار می‌سازد.

روانشناس لازم است که در این زمینه آموزش‌های لازم را ببیند و به این منظور راهنماهایی وجود دارد.

باید در مصاحبه اولیه مؤثر بین جمع‌آوری اطلاعات و ایجاد یک رابطه درمانگرانه تعادل ایجاد شود. یعنی لازم است مصاحبه‌گر از مهارت‌هایی استفاده کند که علاوه بر استحکام بخشیدن به رابطه درمانگرانه، بتواند اطلاعات لازم را نیز جمع‌آوری کند.

جمع‌آوری اطلاعات در مصاحبه اولیه

I. آیا این مراجع باید درمان شود؟

II. چه موضوع‌ها یا مسائل مهمی وجود دارند؟

III. چه درمان مؤثری یا درمانگری برای این فرد مؤثر است؟

IV. آیا فردی خاص از خانواده یا دیگران لازم است در درمان درگیر شوند؟

V. آیا من (درمانگر) به طور مؤثر با این مراجع کار خواهم کرد؟

VI. من چه نوع رابطه‌ای با این مراجع باید داشته باشم؟

VII. چگونه می‌توانم تأثیر درمان یا مشاوره را ارزشیابی کنم؟

به هنگام مصاحبه موارد زیر را در نظر داشته باشید:

◆ کشف مشکل از چشم‌اندازهای متعدد و چندوجهی

◆ جمع‌آوری اطلاعات خاص درباره مشکل اصلی

◆ ارزیابی شدت مشکل

◆ ارزیابی مواردی که مراجع معتقد است مشکل قابل تغییر است

◆ شناخت روش‌هایی که مراجع مبتدی برای حل مسئله امتحان کرده است

◆ ارزیابی فرایند تغییر (assessing the change process)

رئوس اطلاعات لازم به هنگام مصاحبه:

• اطلاعات هویتی

۱- شکایت اصلی ۲- تاریخچه بیماری فعلی ۳- بیماری‌های قبلی ۴- تاریخچه خانوادگی ۵- تاریخچه شخصی

۶- بررسی وضعیت روانی ۷- تشخیص ۸- پیش‌آگهی ۹- طرح و نقشه درمان

اطلاعات هویتی: نام و نام خانوادگی، سن، جنس، وضعیت تأهل، شغل، مذهب، زبان، نژاد، ملیت، میزان تحصیلات، محل تولد

آدرس، شماره تلفن

شکایت اصلی (chief complaint)

بیان مشکلات و شکایات مراجع با استفاده از کلمات خودش

تاریخچه بیماری کنونی:

شروع بیماری (Onset)

مدت بیماری (Duration & Course)

عوامل تسریع کننده (Precipitating factors)

نشانه ها (Symptoms)

پیامدها (Consequences)

تاریخچه بیماری های گذشته

روان پزشکی / روان شناسی

سن تاریخ نشانه ها تشخیص

پزشکی

سن نخستین بستری شدن در بیمارستان

تعداد دفعات بستری شدن

بیماری های گذشته و درمان آنها

تاریخچه مصرف الکل یا سایر مواد

تاریخچه خانوادگی:

بیماریها یا مشکلات روانی

-پدر: -مادر: -خواهران: -برادران:

-سایر خویشاوندان نزدیک:

مصرف مواد

اقدام به خودکشی

تاریخچه شخصی:

قبل از تولد و حین تولد

کودکی اولیه (تولد تا ۳ سالگی)

کودکی میانه (۱۱-۳ سالگی)

نوجوانی

بزرگسالی (شامل: تاریخچه شغلی، ازدواج و روابط، سربازی، تحصیلی، مذهب، فعالیت های اجتماعی، وضعیت زندگی کنونی،

تاریخچه حقوقی، روابط جنسی، رویاها و خیال پردازی ها، ارزشها)

وضعیت روانی:

۱- وضعیت ظاهری ۲- رفتار آشکار ۳- نگرش ۴- گفتار ۵- خلق و عاطفه ۶- تفکر ۷- ادراک ۸- نظام حسی (هوشیاری، جهت یابی

شخص، مکان، زمان)، تمرکز، حافظه (اخیر، کوتاه مدت، بلند مدت)، محاسبه، ذخیره اطلاعات، استدلال انتزاعی ۹- بینش

۱۰- قضاوت

وضعیت روانی: جنبه های رفتاری

رفتار و ظاهر عمومی

● مشخصات فیزیکی

● جنس (مردان: شخصیت ضد اجتماعی، سوء مصرف مواد،

زنان: روان بی اشتهایی، پر خوری عصبی، اختلال جسمانی کردن و اختلال های خلقی

● سن ظاهری (روان بی اشتهایی، اختلال جسمانی کردن، ضد اجتماعی و اسکیزوفرنیا

(مسن: دمانس پیشرونده و ملانکولیا

● کف / نوع دست (خشک، مرطوب، محکم و صمیمی، شل و کم اشتیاق

● نژاد و زمینه قومی: منبع استرس، واکنش های انطباقی، معنای رفتار مراجع از لحاظ فرهنگی

● وضعیت تغذیه (لاغر: ناشی از بیماری طبی (نظیر سرطان، دیابت، اختلال های غدد درون ریز)

ناشی از اختلال روانشناختی (نظیر روان بی اشتهایی، اسکیزوفرنی، سوء مصرف

الکل و مواد، افسردگی

چاق: اختلال پر خوری، اختلال جسمانی کردن، اختلال خلقی همراه با پر خوری،

سوء مصرف داروهای روان گردان

● تیپ بدنی چاقی تنه و اندام، لاغر و باریک (اسکیزوفرنی)، پیک نیک (دوقطبی)، تنومند

● وضعیت اندامی: صاف، خمیده

● راه رفتن و حرکات: باوقار، با شتاب و سریع، لنگیدن

● مشخصه فیزیکی غیر معمول: زخم، خالکوبی، سوختگی، قطع عضو

● رفتارهای غیر معمول: نظیر اغواگری و طفره رفتن

● بهداشت و آراستگی: عدم رسیدگی به خود (دمانس، افسردگی، اسکیزوفرنی و سوء مصرف مواد)

آراستگی بیش از حد (وسواس - بی اختیاری)

ظاهر عجیب و غریب و نامتناسب (سایکوز)

لباس رنگ روشن (مانیک)

نبستن دگمه ها (دمانس)

آرایش بیش از حد (هیستری، مانیا، اختلال شناختی)

● تماس چشمی (eye contact)

• خیره به کف زمین (افسردگی)

• حرکات چشم بدون هدف (حواسپرتی، مانیا، اختلال شناختی، توهمات بینایی)

- اجتناب (خصوصت، شرم، اضطراب)
- تعقیب مداوم حرکات مصاحبه گر (بدگمانی)
- خیره به درمانگر (سایکوز)
- گرایش به مصاحبه گر: صریح یا پنهان کار درگیر یا بی تفاوت همکاری یا کارشکنی دوستانه یا خصمانه
- هوشیاری: گوش بزنگی، آگاهی، لثارژی (سستی)، خواب آلودگی، استوپور (بهت)، اغما
- رفتارهای روانی - حرکتی:

الف: وضعیت بدنی: ۱- قدرت و تونوس عضلات: (شق و رق: افزایش سطح انرژی، خمیده: کاهش سطح انرژی، تونوس زیاد: تنش

۲- حرکات سریع وضعیت بدن (نظیر گام برداشتن سریع و آزیته بودن)

ب: حرکات روانی - حرکتی: ۱- حرکات هدفمند (ناتوان نظیر آپراکسی، ناتوان در تکمیل حرکت نظیر مانیک، کاهش حرکت نظیر افسردگی و پارکینسون) ۲- ژستهای نمایشگر همراه تکلم (افزودن به محتوای کلام، در افراد تحصیل کرده و فرهیخته کمتر مد نظر قرار می گیرد) ۳- ژستهای بیانگر همراه تکلم (بیان نگرش و احساسات، مکمل پیام کلامی ۴- ژستهای نمادین (ویژه فرهنگ، جایگزین کلام)

ج: حرکات بیانگر عاطفه: عمدتا در خلال مصاحبه مشخص می شوند.

د: حرکات مرکب غیر طبیعی: ۱- استوپور، تهییج و اعمال تکانه ای (فقدان بینش یا قضاوت) ۲- حرکات ناشی از آسیب های عصب شناختی: لرزش، بی قراری حرکتی (آکاتریا)، کره، دیس کنزی دیررس، حرکات آتوزی، تیک

خلق

- نوع (مثبت، منفی، الکسی تایمی): الان خلقت چیه؟
- پایداری (ثابت نظیر اسکیزوفرنی، تقریبا ثابت نظیر افسردگی شدید و پارکینسون، ملایم نظیر دمانس، نوسان نظیر مانیک و جسمانی سازی)
- تناسب با موقعیت (نامتناسب نظیر اسکیزوفرنی و فلج کاذب، بی تفاوتی زیبا نظیر جسمانی سازی)
- شدت (خفیف، متوسط، شدید): از دیستایمی تا افسردگی اساسی

جریان فکر

الف: ارتباط:

- ۱- عدم ارتباط: سایکوز و مانیک ۲- مماسی: سایکوز و مانیک ۳- فقر گفتار خودبخودی: افسردگی، اسکیزوفرنی و جسمانی سازی
- ۴- انسداد فکر ۵- تکرار حروف همصدا ۶- ارتباط شباهت صدایی ۷- پژواک گویی ۸- تکرار کلمات ۹- سالاد کلمات
- ۱۰- واژه تراشی ۱۱- درجاماندگی ۱۲- گفتار قلبه

ب: ریتم گفتار:

۱- فشار کلمات: مانیک ۲- نهفتگی زیاد پاسخ: افسردگی ۳- لکنت ۴- گفتار اضافی ۵- گفتار حواسپرتی ۶- تکیه کلام

• جنبه های شناختی

محتوای فکر: ۱- هذیان ۲- ادراک ۳- توهم ۴- نشانه های اضطراب ۵- ترس ها ۶- وسواس - بی اختیاری

۷- افکار خشونت آمیز ۸- شناخت ۹- توجه و تمرکز ۱۰- جهت یابی ۱۱- زبان ۱۲- حافظه ۱۳- اطلاعات فرهنگی ۱۴- تفکر انتزاعی

۱۵- بینش و قضاوت

• تشخیص بر اساس DSM-IV

محور ۱: اختلال های بالینی

محور ۲: اختلال های شخصیت و عقب ماندگی ذهنی

محور ۳: وضعیت پزشکی عمومی

محور ۴: مشکلات روانی - محیطی

محور ۵: سنجش کلی کارکرد

• پیش آگهی

• طرح درمان

روان درمانگری:

دارودرمانگری:

.....
روان شناسی چیست؟ نگاهی اجمالی به مباحث روان شناسی

سؤال هایی که ذهن روان شناس را مشغول کرده است

- رفتار عادی طی چه فرایندی از افراد انسان صادر می شوند؟
- طی چه فرایندی فرد عادی رفتار معمول و نامتعارف انجام می دهد؟
- فضیلت های انسانی مانند شجاعت، از خود گذشتگی را چگونه می توان در انسان پرورش داد؟
- افراد استثنائی را چگونه می توان به جایگاه متناسب خود سوق داد؟
- شیوه فرزند پروری والدین چه اثری بر شیوه فرزند پروری فرزندان دارد؟
- بهترین شیوه برای درمان وابستگی دارویی و اعتیاد چیست؟
- آیا مردان هم می توانند همانند زنان از نوزدان مراقبت کنند؟
- آیا فرد در خواب هیپنوتیزمی می تواند تجربه ای تلخ را با جزئیات بیشتری به خاطر آورد؟
- نیروگاه های برق هسته ای چگونه باید طراحی شوند تا اشتباه های آدمیان در ارتباط با آن به حداقل برسند؟
- فشار روانی دراز مدت چه تأثیری بر دستگاه ایمنی بدن آدمی دارد؟

• چرا افراد انسان به بیماری هایی مانند افسردگی ، اضطراب ، وسواس ، خیال پردازی مزمن ، حواس پرتی و فراموشی مبتلا می شوند؟

• برای درمان اختلالات روانی چه راهی باید در پیش گرفته شود؟ دارودرمانی ، روان درمانی و ...

• آیا افرادی که ادعای خاص بودن ، امام زمان بودن ، برخورداری از نیروی ویژه می کنند در واقع اختلال روانی ندارند؟

• مسئولیت کار هر فرد به چه میزان به عهده خود او می باشد؟

مؤلفه ها و نحوه ترکیب آن ها در تشکیل سازمان یافتگی روانی

✍ ما افراد انسان تغییرات درونی خود را بالوجدان و با مشاهده دیگران می یابیم و احساس می کنیم.

✍ رانندگی را بلد نبوده ایم، اکنون یاد گرفته ایم.

✍ فردی با نشاط و شاد بوده ایم ، اکنون افسرده شده ایم .

✍ اکنون افسرده هستیم می خواهیم به نشاط و شادی اولیه برگردیم.

✍ چه مؤلفه های درون روانی دست به دست هم می دهند و طی چه فرایندی، این تغییرات را ایجاد می کنند.

ضرورت آشنایی با روان شناسی

روان شناسی را علم زندگی می دانند science of life.

به همین دلیل لازم است حتی افراد غیر متخصص هم با روان شناسی در حد مقدماتی آشنا باشند.

پس روان شناسی به ما کمک می کند که بفهمیم چرا افراد به شیوه های معینی می اندیشند و عمل می کنند و

در خود ما نسبت به نگرش ها و واکنش های خودمان بصیرت ایجاد کند.

اختلال های روانی ، مؤلفه های ساختاری ، فرایند شکل گیری و درمان آن را فرا می گیریم.

اگر با نحوه کارکرد روان آشنا باشیم، قضاوت ما در باره ادعاهای ذیل واقعی تر می شود:

• با شیوه های نوین روان درمانی می توان خاطرات واپس رانده را به یاد آورد.

• اضطراب از راه خود تنظیمی (self- regulation) موج های مغزی مهار شد.

• اندیشه خوانی (دور آگاهی) (telepathy) به اثبات رسید.

• هیپنوتیزم در مهار کردن درد مؤثر است.

• پایداری هیجانی با بزرگی و کوچکی خانواده رابطه نزدیک دارد.

• مراقبه استعلایی (متعالی : transcendental meditation) به حل مسأله کمک می کند.

• چندگانی شخصیت multiple pesonality با آزار دیدگی در دوران کودکی child- abuse ارتباط دارد.

❖ موضوع کلی و موضوع های جزئی روان شناسی

تعریف: بررسی علمی رفتار و فرایندهای ذهنی(روانی)

Scientific study of behavior and mental processes

آسیب مغزی و بازشناسی چهره ها: در مورد فردی که دچار آسیب مغزی شده باشد تعجبی ندارد که اختلالی

در رفتارش مشاهده شود .

تعجب آور آن است که تنها بخش خاصی مانند قسمتی از نیمکره راست مغز آسیب دیده و فرد دیگر نمی تواند چهره افراد آشنا را بازشناسی کند، اما از سایر جهات رفتارش عادی به نظر می رسند. مورد قابل توجه این اختلال ادراک پریشی (prosopagnosia) نامیده می شود که اولیور ساکس (Oliver Sacks) در کتابش با عنوان « مردی که زنش را به جای کلاه گرفته بود» توصیف شده است. نمونه دیگر مردی در رستورانی به پیشخدمت شکایت کرد که کسی به او خیره شده و دست بردار هم نیست. پیشخدمت متوجه شد که او در آینه دارد به خودش نگاه می کند. مثال دیگر:

فردی برای سازمان خیریه پول جمع می کند و یا گدایی می کند . فرد دیگری، از میان جمع بلند می شود و دست در جیب می کند و پولی می دهد . آیا این فرد واقعا و بر طبق شخصیت خود فردی خیر است و یا صرفا به دلیل اینکه در جمع قرار گرفته این کار را انجام می دهد .

ما معمولاً این گونه افراد را با واژه خیر وصف می کنیم و ویژگی را به خود او نسبت می دهیم، ولی واقعیت چیست؟

اگر فردی بخواهد صرفاً برای یک انگیزه اصیل رفتار کند، چه راهکاری برای آن وجود دارد؟

❖ یادزدودگی کودکی

اکثر بزرگسالان می توانند رویدادهایی را از نخستین سال های زندگی خود به خاطر آورند، ولی تقریباً هیچکس قادر نیست اکثر رویدادهای سه سال اول زندگی را به خاطر آورد .

مثلاً تولد خواهر یا برادر شما قبل از سن سه سالگی شما اتفاق افتاده باشد نمی توانید این رویداد را به خاطر آورید .

اگر خاطره ای هم داشته باشید بسیار مبهم است .

از سن ۹ سالگی و بیشتر ما تقریباً تمام وقایع و رویدادها را به خاطر می آوریم .

کودک ما در فاصله این سه سال واقعاً تجربه های بسیار مهمی را مثل دوران درماندگی، سینه خیز رفتن ، غان و غون کردن و تاتی تاتی رفتن تا با سرعت دویدن را پشت سر می گذارد، ولی چیزی را به خاطر نمی آورد .

روان شناس می خواهد بداند که حافظه طی چه فرایندی ایجاد می شود؟

شدت ، ضعف و از بین رفتن حافظه یعنی چه ؟

❖ چاقی (obesity) معضلی فردی و اجتماعی

چاقی: افزایشی حدود سی درصد از وزن متناسب با ساخت بدنی و قد

جمع زیادی از افراد جامعه دچار افزایش وزن هستند.

افزایش وزن به هر حال عارضه ای پر خطر است، زیرا بیماری هایی مانند دیابت، فشار خون، و بیماری های قلبی و عروقی را افزایش می دهد.

روان شناسان می خواهند بدانند چه عواملی سبب پر خوری افراد می شود؟
ظاهراً یکی از این عوامل سابقه محرومیت از غذاست.

❖ مشاهده برنامه های پر خشونت

اثر برنامه های پر خشونت رسانه ها بر پر خاشگری کودکان: برخی معتقدند که برنامه های حاوی پر خاشگری در واقع موجب یادگیری پر خاشگری می شود .

برخی نیز برنامه های حاوی پر خاشگری را دارای اثر پالایشی (cathartic) می دانند، به عبارت دیگر دیدن برنامه خشونت بار میزان پر خاشگری کودکان را کاهش می دهد .

این نظر با بررسی های تجربی تأیید نشده است .

با بررسی تجربی معلوم شده است که هر کودک در سن ۹ سالگی برنامه خشونت بار بیشتر دیده باشد، در ۱۹ سالگی بیشتر پر خاشگری می کند.

❖ خاستگاه های تاریخی روان شناسی

خاستگاه های روان شناسی را میتوان تا فلاسفه بزرگ یونان باستان نظیر سقراط (Socrates)، افلاطون (plato) و ارسطو (Aristotile) پی گرفت.

این اندیشمندان بزرگ انسانی سؤال های اساسی در مورد زندگی انسان مطرح کردند .

هشیاری چیست؟

آیا چیزی به نام انتخاب آزاد وجود دارد؟

آدمی چرا بیمار می شود؟

این سؤال ها هنوز هم از سؤال های اساسی انسان هستند .

بدن انسان با این رویدادها چه رابطه ای دارد؟ این موضوع را بقراط Hippocrates که غالباً به عنوان « پدر پزشکی » شمرده می شود با دقت دنبال کرد و نظریه زیست شناختی در حالت های روانی را پایه گذاری کرد.

❖ ماهیت روان آدمی

واژه روان شناسی ترجمه کلمه « psychology » که از دو واژه Psyche و logy ترکیب شده است .
در روان شناسی آن بعدی از انسان را که در کنار بدن وجود دارد را mind یا psyche و در فارسی روان نامیده اند .

در باره ماهیت این بعد سه نظریه مطرح شده است .

جوهری غیر مادی: پس بدین معنی مراد از mind همان معنای soul است، که امروزه مورد توجه روان شناسان نیست .

محصولات جانبی فرایندهای مادی؛ روان صرفاً نام دیگری برای فعالیت های زیستی به خصوص فعالیت سیستم مغزی و عصبی می باشد، که رویکردی روان پزشکی می باشد و به خصوص در زمان ویلیام جیمز مطرح بود.

روان و بدن دو جوهر مجزا ولی متأثر از همدیگر و متعامل که از روی آثار هر کدام بر دیگری می توان بعد دیگر را مورد بررسی قرار داد.

❖ رویکرد جدید در روان شناسی

روان و بدن دو جوهر مجزا ولی تأثیر گذار و تأثیر پذیر.

جان اکلس (John Eccles) عصب شناس برجسته تعامل دو سویه را بر می گزیند، که روان و مغز را بعنوان جوهرهای مجزا و مستقل در نظر می گیرد که تا حدودی بر همدیگر اثر متقابل دارند.

ویلدنر پنفلد پس از آنکه سال ها پیرو فرضیه یگانه گرا بود که روان را محصول همین مغز مادی می دانست، گفت ساده تر و منطقاً بسی آسان تر است اگر این فرضیه را بپذیریم که وجود ما از دو عنصر اساسی تشکیل شده که همان روان و مغز است و هر یک از این ها برای خود دارای شکلی از انرژی است. پنفلد پیش بینی می کند که زمانی ماهیت انرژی روان کشف خواهد شد. پایان

نگاهی اجمالی به مکاتب روان شناسی

خاستگاه های تاریخی روان شناسی

خاستگاه های روان شناسی را میتوان تا فلاسفه بزرگ یونان باستان نظیر سقراط (Socrates)، افلاطون (plato) و ارسطو (Aristotle) پی گرفت.

این اندیشمندان بزرگ انسانی سؤال های اساسی در مورد زندگی انسان مطرح کردند .
هشیاری چیست؟

آیا چیزی به نام انتخاب آزاد وجود دارد؟

آدمی چرا بیمار می شود؟

این سؤال ها هنوز هم از سؤال های اساسی انسان هستند .

بدن انسان با این رویدادها چه رابطه ای دارد؟ این موضوع را بقراط Hippocrates که غالباً به عنوان « پدر پزشکی » شمرده می شود با دقت دنبال کرد و نظریه زیست شناختی در حالت های روانی را پایه گذاری کرد.

علم جدید متولد شد:

رشته های فلسفه و فیزیولوژی پدر و مادر عقلانی روان شناسی بودند.

چون دانشمندان این رشته به شدت دنبال این بودند که ذهن چیست و امور ذهنی چه واقعیتی دارند؟

چگونه احساس های بدن به آگاهی ذهنی از دنیای بیرونی تبدیل می شوند؟

آیا برداشت های ما از جهان، واقعیت ها را منعکس می کنند؟

بدن و روان یا ذهن چگونه تعامل می کنند؟

ویلهلم وونت (1832-1920) Wilhelm Wundt) با تأسیس دانشگاه روان شناسی این رشته را به رشته ای مستقل تبدیل کرد.

آغاز روان شناسی علمی:

فلاسفه و دانشمندان طی قرون متمادی همواره به کارکرد ذهن و بدن آدمی توجه نشان می دادند .

آغاز روان شناسی علمی را معمولاً مقارن با تأسیس نخستین آزمایشگاه روان شناسی توسط ویلهلم وونت Wilhelm Wundt در دانشگاه لایپزیک آلمان به سال ۱۸۷۹ می دانند .

خاستگاه تأسیس آزمایشگاه وونت این باور بود که ذهن و رفتار را نیز همانند سیاره ها و مواد شیمیایی یا اندام های بدن آدمی می توان با روش های علمی بررسی و تحلیل کرد.

پژوهش های خود وونت عمدتاً متمرکز بر حواس آدمی و به ویژه حس بینایی بود و تجربه های هشیار آدمی را به شیوه درون نگری introspection بررسی می کرد.

وونت معتقد بود مطالعه روان شناسی باید مطالعه هشیاری consciousness و آگاهی از تجربه بی واسطه (تجربه محرک ها بدون دخالت یادگیری در ذهن)

در دوره روان شناسی عبارت شد از مطالعه علمی تجربه هشیار.

این گرایش تمرکز روان شناسی را روی ذهن نگهداشت، ولی تأکید کرد روش هایی که برای بررسی ذهن به کار می روند باید مثل روش های شیمدان ها و فیزیكدان ها علمی باشد. این گرایش ۲۰ سال بر روان شناسی حاکم بود.

ساخت گرایی در مقابل کارکردگرایی:

ساخت گرایی structuralism را ادوار تیچنر Edward Tichener که در دانشگاه کرنل در آمریکا تدریس می کرد به وجود آورد .

تیچنر بر این باور بود که وظیفه روان شناسی تجزیه کردن هشیاری به عناصر اصلی آن و بررسی چگونگی

ارتباط این عناصر است. درست همانند فیزیكدان ها که به دنبال آن بودند که ببینند ماده از چه ذرات

اساسی تشکیل شده است و با هم چه ارتباطی دارند.

تیچنر تلاش می کرد تا عناصر تجربه یعنی حس، ادراک و تصورات ذهنی را بفهمد.

اغلب تحقیقات ساخت گراییان به احساس و ادراک در حواس بینایی، شنوایی، و لامسه مربوط می شد .

ساخت گراییان برای بررسی محتوای هشیاری از روش درون نگری، یا خود نگری دقیق و منظم فرد در مورد تجربه هشیار خود، استفاده می کردند .

ساخت گراییان برای درون نگری افراد را تربیت می کردند که آزمودنی Subject نامیده می شدند.

آزمودنی را با معمولاً با اصوات شنیداری مانند صدای زنگ یا دیداری مانند قطعه های میوه روبرو می کردند و از آن ها می خواستند آنچه را تجربه می کردند گزارش کنند.

کارکردگرایی Functionalism:

کارکردگرایان به جای ساختار هشیاری بر کارکرد و هدف هشیاری در زندگی انسان تأکید کردند. بنیان گذار کارکردگرایی ویلیام جیمز (1910-1842) دانشمند آمریکایی بود. جیمز کارکردگرایی را از اصل انتخاب طبیعی داروین عاریه گرفته است. طبق این اصل ویژگی های نمونه یک گونه باید در خدمت هدف های زندگی و تولید مثل باشند تا باقی بمانند. جیمز اعلام کرد که هشیاری به صورت آشکار از ویژگی های گونه انسان است. از این رو اظهار داشت که روان شناسی به جای ساختار هشیاری باید کارکرد آن را مورد بررسی قرار دهد. جیمز باور داشت که هشیاری از جریان مد اوم افکار تشکیل شده است و نباید به صورت قطعه قطعه از آن بحث شود.

او معتقد بود با تجزیه هشیاری توجه به عناصر را که هشیاری جلب می شود و خود جریان هشیاری که آن را جویبار هشیاری نامید از آن غلفت می شود. کارکردگرایان به جای آزمایشگاه بیشتر به این موضوع پرداختند که افراد چگونه رفتارشان را با ضروریات دنیای واقعی پیرامونشان سازگار می کنند. همین باعث شد که جی استانلی هال G. Stanley Hall، جیمز مک کین کتل James McKeen Cattell و جان دیویی John Dewey در باره روان آزمایی، الگوهای رشد در کودکان، اثربخشی روش های آموزشی، و تفاوت های رفتاری بین زن و مرد شروع به تحقیق کردند. رفتار گرایی:

در اوائل دهه ۱۹۰۰ جان بی واتسون (1958-1878) رفتارگرایی Behaviorism را بنا نهاد. طبق نظر واتسون روان شناسی علمی فقط باید رفتار قابل مشاهده را مطالعه کند. واتسون معتقد بود روان شناسان باید به صورت کامل مطالعه هشیاری را کنار بگذارند و صرفاً روی رفتار متمرکز شوند که می توانند آن را به صورت مستقیم مشاهده کنند. زیرا به نظر واتسون پایه روش علمی بر اثبات پذیری verifiability استوار است. ادعای علمی را باید همیشه بتوان اثبات یا رد کرد. این نیز به بررسی چیزهایی بستگی دارد که بتوان آن ها به صورت عینی بررسی کرد. فرایندهای ذهنی موضوع مناسبی برای مطالعه علمی نیستند، زیرا این ها امور کاملاً شخصی هستند که در یک شخص هم در زمان های متفاوت یکسان نیستند. بنابراین اگر قرار باشد روان شناسی علمی شود باید هشیاری را به عنوان زمینه مطالعه خود رها سازد و در عوض علم رفتار شود.

رفتار به هر گونه پاسخ یا فعالیت ارگانیزم اشاره دارد که آشکار یا قابل مشاهده باشد. روان شناسی می تواند هر آنچه را افراد انجام می دهند یا می گویند، مطالعه کند.

روان شناسی نمی تواند افکار، امیال، و احساس های همراه رفتار را مورد بررسی قرار دهد. در بحث وراثت تربیت واتسون معتقد بود که رفتار کلاً توسط محیط تعیین می شود. با کنار گذاری هشیاری روان شناسان به بررسی رفتار حیوانات روی آوردند. زیرا روی حیوان مانند موش، کبوتر و خوکچه هندی می توان کنترل بیشتری اعمال کرد. در مقابل روان شناسی رفتار گرا، روان شناسان گشتالت Gestalt Psychology پا به میدان گذاشتند. روان شناسان گشتالت که عمدتاً در باره ادراک تحقیق می کردند معتقد بودند که روان شناسی باید به جای رفتار آشکار به بررسی تجربه هشیار ادامه دهد.

روان تحلیل گری یا روان کاوی: Psychoanalysis

اگر از فردی پرسیم چرا شما وسواس دارید می گوید نمی دانم. از شما هم اگر پرسیم چرا شما عادی هستید و عادی می مانید، شما هم می گوید نمی دانیم. زیگموند فروید (1856-1939) Sigmund Freud خیلی روشی را ابداع کرد و آن را روان تحلیل گری یا روان کاوی نامید. فروید سالیان دراز از اضطراب شدید رنج می برد و برایش سؤال بود که این مشکل از کجا در درونش پدید آمده است.

به همین دلیل فروید به وجود بخش ناهشیار در سازمان روانی انسان معتقد شد. به عقیده فروید، ناهشیار شامل افکار، خاطرات، و امیالی است که زیر سطح آگاهی هشیار هستند ولی با این حال تأثیر زیادی بر رفتار دارند.

لغزش های زبانی، رؤیاهای متفاوت در افراد چه نقشی دارند. به نظر فروید این ها احساس های مهمی را در بر دارند که فرد از آن ها آگاهی ندارد. او سرانجام نتیجه گرفت که آشفتگی های روانی عمدتاً توسط تعارض های شخصی ایجاد می شوند که در سطح ناهشیار قرار دارند.

این نظریه به دنبال آن است که عوامل ناهشیار رفتار، شخصیت، انگیزش، و اختلال های روانی را شرح دهد. روان شناسان که از بررسی هشیار درمانده بودند یکباره روبرو شدند با موضوع ناهشیار آن ها مشاهده علمی تجربه ناهشیار را ناممکن می دانستند چگونه می توانستند قبول کنند که تجربه ناهشیار را می توان بررسی کرد.

آن ها روان تحلیل گری را گمانه زنی غیر علمی می دانستند و باور داشتند که سرانجام روزی از بین خواهد رفت.

ولی روان تحلیل گری مقبولیت یافت و بر پزشکی، هنر و ادبیات تأثیر گذاشت.

بی. اف. اسکینر (1904-1990) B.F. Skinner

اسکینر از روان شناسان بسیار با نفوذ آمریکا، در دهه ۱۹۵۰ موضع رفتار گرایان را در مورد پذیرش حالت های درونی به کلی دگرگون کرد.

او به دیدگاه قاطع محرک - پاسخ واتسون روی آورد. او وجود رویدادهای درونی را انکار نکرد، ولی تأکید داشت که نمی توان آن ها را به صورت علمی بررسی کرد .

به عقیده او محرک غذا در صورتی که غذا خوردن را از پی داشته باشد این واقعیت را می توان بدون توجه به اینکه آیا حیوان دچار گرسنگی هست یا نه بررسی کرد .

اسکینر نیز همانند واتسون بر این نکته تأکید داشت که عوامل محیطی رفتار را شکل می دهند. اگر چه او می دانست رفتار ارگانیزم تحت تأثیر موهبت زیستی آن قرار دارد، ولی بر این باور بود که روان شناسی می تواند رفتار را بدون توسل به توجیحات فیزیولوژیکی درک و پیش بینی کند.

اصل بنیادین اسکینر : ارگانیزم ها پاسخ هایی را تکرار می کنند که به نتایج مثبت می انجامند و پاسخ هایی را که به نتایج منفی منجر می شوند، تکرار نمی کنند .

اسکینر عمدتاً با موش ها و کبوترهای آزمایشگاهی تحقیق می کرد .

او ثابت کرد که می تواند با دستکاری پاسخ های حیوانات، رفتار آن ها را کاملاً کنترل کند .

او حتی کبوتران را برای بازی پینگ پنگ تربیت کرد .

طرفداران اسکینر سرانجام ثابت کردند، اصولی را که آن ها در پژوهش های حیوانی خود کشف کرده اند می توان در مورد رفتار پیچیده انسان نیز به کار برد .

در حال حاضر اصول رفتاری به صورت گسترده در کارخانه ها، مدارس، زندان ها، بیمارستان های روانی، و محیط های دیگر به کار می روند.

اسکینر معتقد بود که محرک های بیرونی کل رفتار را کنترل می کنند .

بنابراین، اگر شما تصور می کنید که اعمالتان حاصل تصمیم گیری های هشیار است، اشتباه می کنید .

به عقیده اسکینر، ما همگی توسط محیط مان نه خودمان، کنترل می شویم .

خلاصه اینکه اسکینر نتیجه گرفت اراده آزاد، تصور غلطی است.

روان شناسان انسان گر Humanism

در دهه ۱۹۵۰، رفتار گرایی و نظریه روان تحلیل گری با نفوذترین مکاتب فکری در روان شناسی بودند. ولی خیلی از روان شناسان این گرایش های نظری را ناخوشایند می دانستند .

اتهام اصلی که به این دو مکتب وارد شد این بود که روان کاوی به خاطر عقیده اش به اینکه رفتار تحت سلطه امیال ابتدایی جنسی قرار دارد و رفتار گرایی به خاطر اشتغال آن به رفتار ساده حیوان انتقاد شد .

از هر دو نظریه به این جهت انتقاد شد که می گفتند انسان ها سرنوشت خود را در اختیار ندارند .

از همه مهم تر، افراد زیادی معتقد بودند که این دو مکتب فکری نتوانسته اند ویژگی منحصر به فرد انسان را تشخیص دهند .

همین انتقادات موجب شد در دهه ۱۹۵۰ مکتب فکری جدیدی به نام انسان گرایی ایجاد شود

انسان گرایی بر ویژگی های منحصر به فرد انسان ها، مخصوصاً آزادی و پتانسیل آن ها برای رشد شخصی تأکید دارد .

به نظر انسان گرایان انسان ها موجودات آزاد و منطقی هستند که از استعداد رشد شخصی بر خوردارند و اساساً با حیوانات تفاوت دارند .

انسان گرایان نظر خوشبینانه ای در مورد ماهیت انسان دارند .

آن ها معتقدند انسان ها آلت دست میراث حیوانی یا شرایط محیطی شان نیستند. آن ها همچنین معتقدند پژوهش در باره حیوانات ربط چندانی به آگاهی از رفتار انسان ندارد .

برجسته ترین معماران جنبش انسان گرایی، کارل راجرز (۱۹۰۲-۱۹۸۷) و آبراهام مزلو (۱۹۰۸-۱۹۷۰) Abraham Maslow بودند.

روان شناسی در جایگاه یک حرفه

روان شناسی صرفاً یک علم نیست ، بلکه برای کاربرد پدید آمده است. به همین دلیل آن را علم زندگی نامیده اند .

بنابراین علم تا حدود زیادی به مشکلات روزمره و عملی مردم می پردازد .

امروزه یکی از شاخه های مهم روان شناسی، روان شناسی بالینی clinical psychology می باشد .

کار عمده روان شناسان بالینی به تشخیص، درمان مشکلات و اختلالات روانی مربوط می شود .

این روزها روان شناسی کاربردی به روان شناسی آموزشی، صنعتی و سازمانی، و روان شناسی مشاوره گسترش یافته است.

بازگشت روان شناسی به سرچشمه خود

اکنون روان شناسان به هشیاری یا شناخت و مبنای فیزیولوژیکی رفتار علاقمند شده اند که همان بازگشت به آغاز روان شناسی می باشد .

شناخت اشاره دارد به فرایندهای ذهنی که در فراگیری دانش دخالت دارند .

نظریه پردازان شناختی معتقدند برای اینکه روان شناسی رفتار انسان را کاملاً درک کند، باید رویدادهای ذهنی درونی را بررسی کند .

طبق دیدگاه شناختی وقتی ما برداشت های خود را تغییر می دهیم ، این امر روی رفتارمان تأثیر می گذارد بنابراین تمرکز روی رفتار آشکار، تصور ناقصی واقعیت انسان می باشد .

بسیاری از ناظران معتقدند که دیدگاه شناختی، امروزه دیدگاه در روان شناسی شده است.

دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تحقیقات زیادی روی تعامل بین ذهن، بدن و رفتار پرداختند .

به عنوان مثال روان شناسان نشان دادند که تحریک برقی مغز می تواند پاسخ های هیجانی، نظیر لذت و خشم در حیوانات را برانگیزد.

راجر اسپری Roger Sperry نشان داد که نیمکره های راست و چپ مغز تکالیف متفاوتی را بر عهده دارند .

این دیدگاه که بر این باور است که مقدار زیادی از رفتارهای انسان و حیوان را می توان بر حسب ساختارهای

جسمانی و فرایندهای زیستی شیمیایی توجیه کرد با عنوان دیدگاه زیستی Biological Approach

شناخته می شود.

روان شناسی امروز: قوی و متنوع

تعریف روان شناسی: علمی که رفتار و فرایندهای فیزیولوژیک و شناختی زیر بنای رفتار را بررسی می کند و حرفه ای است که دانش گردآوری شده این علم را در مورد مشکلات عملی به کار می برد.

روان شناسی تا کنون رشد چشمگیر داشته است، بطوریکه اکنون انجمن روان شناسی آمریکا (American Psychological Association) که در سال ۱۸۹۲ با تنها ۲۶ عضو پایه گذاری شد، اکنون بیش از ۸۰ هزار عضو دارد.

اکنون در آمریکا بیش از ۱۰ درصد از مدارک دکتری علوم انسانی در رشته روان شناسی اخذ می شود. از این افراد حدود یک چهارم در دانشگاه ها و مراکز علمی مشغول به کار می شوند و بقیه در بیمارستان ها، کلینک ها، اداره های پلیس، مؤسسات پژوهشی، اداره های دولتی، تجارت و صنعت، مدارس، خانه های سالمندان، مراکز مشاوره و شغل آزاد کار می کنند.

زمینه های پژوهش عمده در روان شناسی:

روان شناسی رشد

اجتماعی

آزمایشی یا تجربی

فیزیولوژیکی

شناختی

شخصیت

روان سنجی

هفت موضوع مهم در روان شناسی:

● روان شناسی تجربی است. یعنی دانش روان شناسی باید از طریق مشاهده کسب شود.

● در روان شناسی نظریه های متعدد وجود دارد.

● روان شناسی در بستر اجتماعی تاریخی تکامل می یابد.

● عوامل متعددی رفتار را تعیین می کنند.

● رفتار ما توسط میراث فرهنگیمان شکل می گیرد.

● وراثت و محیط مشترک بر رفتار تأثیر می گذارند.

● تجربه ما از دنیا بسیار ذهنی و شخصی است

خلاصه مباحث

■ تولد: ۱۸۷۹ یعنی حدود ۱۳۵ سال

■ مکاتب عمده روان شناسی

(۱) ساختار گرایی

(۲) کارکردگرایی

- ۳ رفتارگرایی
- ۴ روان تحلیل گری
- ۵ شناخت گرایان
- ۶ رفتاری شناختی
- ۷ رویکرد چند بعدی: بررسی جنبه های بدنی، شناختی و رفتاری و اخیراً معنوی و دینی

روش فهم روانشناختی متون دینی

مقدمه

- قابلیت های روانشناختی متون دینی
- متون دینی «به مثابه منبع»!
- نیاز متون به استنتاج و استخراج معارف و صورت بندی علمی آنها

نظریه «ساخت و توسعه» فردریکسون

امام علی(ع):

السُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ وَيُثِيرُ النَّشَاطَ وَالنِّعْمُ يَقْبِضُ النَّفْسَ وَيُطَوِّي الْأَنْبَسَاطَ

نظریه «نستوهی» (hardiness)

قرآن کریم:

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

آل عمران: ۲۰۰

الإمامُ الباقرُ عليه السلام:

المؤمنُ أصلبُ من الجبلِ، الجبلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ، والمؤمنُ لا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ.

نظریه «انعطاف پذیری» (Resilience) و انعطاف پذیری روانشناختی (ACT)

رسول الله صلى الله عليه وآله:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ؛ مِنْ حَيْثُ أَتَتْهَا الرِّيحُ كَفَأَتْهَا، فَإِذَا سَكَتَتْ اعْتَدَلَتْ، وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ يُكْفَأُ

بِالْبَلَاءِ وَمَثَلُ الْفَاجِرِ كَالْأَرْزَةِ صَمَاءٌ مُعْتَدِلَةٌ حَتَّى يَقْصِمَهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ

امام علی علیه السلام:

إِنَّ لِلنَّكَبَاتِ غَايَاتٍ لَا بُدَّ أَنْ تَنْتَهِيَ إِلَيْهَا، فَإِذَا حَكِمَ عَلَى أَحَدِكُمْ بِهَا فَلْيُطَاطِئْ لَهَا وَيَصْبِرْ حَتَّى يَجُوزَ، فَإِنَّ

أَعْمَالَ الْحَيَلَةِ فِيهَا عِنْدَ إِقْبَالِهَا زَائِدٌ فِي مَكْرُوهِهَا. تحف العقول، ص ۲۰۱

رویکردهای پژوهشهای روانشناختی در متون دینی

• رویکرد «تأیید یابی» برای نظریه های روانشناختی

- اسلامیزه کردن روانشناسی

• رویکرد «نظریه پردازی» روانشناختی بر اساس متون دینی

- تئوریزه کردن معارف اسلامی

• نیاز این پژوهش به «روش فهم روانشناختی متون دینی»

• هدف: «کشف قوانین و حقایق پنهان در متن»

- حقایق و قوانین روانشناختی

سیر فهم متون

الف: فهم نخستین :

-فهم مفردات

- فهم ترکیبات

ب: فهم نهایی :گردآوری قرینه ها: ۱- قرینه متصل ۲- قرینه منفصل

آیا با این روش می توان معارف روانشناختی متون را به دست آورد؟

• متون دینی دارای سطوح مختلف معنایی است...

• سطوح معنا در متون دینی:

• سطح عمومی

• سطح پیشرفته و تخصصی (با رویکرد روانشناختی)

• روش پیش گفته برای فهم سطح نخست معنا مناسب است

• فهم لایه های عمیق تر معنا نیازمند روش پیشرفته فهم

وان لك لا جراً غير ممنون وانك لعلی خلق عظیم

• چرا انسان از برخی فشارهای اجتماعی بی تاب می شود؟ (سبب شناسی)

• چگونه می توان بی تابی را مهار کرد و به حالت اول برگشت؟ (روش شناسی)

امام سجّاد علیه السلام:

لا تُعَادِرِينَ أَحَدًا وَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّهُ لَا يَضُرُّكَ، وَلَا تَرْهَدَنَّ فِي صِدَاقِهِ أَحَدٍ وَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُكَ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَتَى تَرَجُو صَدِيقَكَ،
وَلَا تَدْرِي مَتَى تَخَافُ عَدُوَّكَ

چرا برخی به دشمنی کردن تمایل دارند و از دوستی کردن پرهیز می کنند؟

چه چیزی می تواند تمایل به دشمنی و عدم تمایل به دوستی را تبیین کند؟

چگونه می توان عدم تمایل به دشمنی و تمایل به دوستی را ایجاد کرد؟

مباحث فهم متون

الف: سطح عمومی معنا

- متن

- مقصود

ب: سطح پیشرفته معنا

- تک گزاره

- تک مفهوم

- نظام ها

الف) گزاره ها

• حسن الخلق یثبت الموده

• من زهد فی الدنيا هانت علیه المصیبات

• من ایقن بالآخرة لم یحرص علی الدنيا

• من قنع لم یغتم

ب) مفاهیم دینی

- عقل، تقوا، حیا، عفت، حلم، صبر و...

- تواضع، عزت، کرامت و...

ج) نظام میان مفاهیم

• مناسبات میان: عقل، تقوا، حیا، عفت، حلم، صبر و...

• مناسبات میان: تواضع، عزت، کرامت و...

فرایند فهم متون:

الف: سطح عمومی فهم

- فهم متن
 - فهم مقصود
 - ب: سطح پیشرفته فهم
 - فهم روانشناختی تک گزاره
 - فهم روانشناختی تک مفهوم
 - فهم روانشناختی نظام ها
- روش بررسی روانشناختی «تک گزاره ها»

ویژگی متون دینی؟ مبتنی بر قوانین علمی + اما با ساختار بیانی عرفی

- ضرورت شناخت قوانین با «پرسش های روانشناختی»
- صدور گزاره دینی - روانشناختی بر مبنای قوانین
- حرکت از قانون به گزاره (توصیه - توصیف)
- کشف این قانونمندی، مبنای پژوهش های دینی - روانشناختی



- حرکت از گزاره به قانون (پژوهش معکوس)
- قانون
- کشف
- توضیح:

- متون دین یا توصیه ای هستند و یا توصیفی
- چند مرحله تا رسیدن به توصیف یا توصیه وجود دارد :
- یک حقیقت روانشناختی
- حالت های مثبت یا منفی آن حقیقت
- توصیه به حالت مثبت و نفی حالت منفی
- و توصیف انسانهای مثبت دارای حالت مثبت و انسانهای منفی دارای حالت منفی / یا توصیف حالت مثبت و منفی
- آنچه ما با آن رو به رو هستیم، لایه توصیف یا توصیه است .
- کار پژوهشگر حرکت از لایه ظاهر به لایه باطن

نمونه:

چرا مشکلات، برای برخی افراد بزرگ و برای برخی کوچک و ناچیز است؟

چه چیزی میتواند کوچک شمردن مصائب را تبیین کند؟

چه امری موجب بزرگ شماری بلاها و مشکلات میشود؟

من زهد فی الدنيا هانت علیه مصائبها ولم یکرهها

مَنْ صَبَرَ هَانَتْ مُصِيبَتُهُ

مراحل کلی:

• دو اقدام عمده:

۱. یافتن قانون (لایه اول)

• با استفاده از روش پژوهش معکوس

۲. تبیین قانون

فرایند فهم روانشناختی متون

الف: سطح عمومی فهم

- فهم متن

- فهم مقصود

ب: سطح پیشرفته فهم

- فهم روانشناختی تک گزاره: ۱- کشف قانون ۲- تبیین قانون

روش و مراحل یافتن قانون

نگاه کلی به مراحل

• تجزیه و تحلیل متن

• مسئله شناسی

• سبب شناسی

• تنظیم یافته ها

• تنظیم پرسشها

روش و مراحل یافتن قانون

۱. تجزیه و تحلیل محتوایی

- شناخت اجزای مختلف و جایگاه آنها، و نوع رابطه میان آنها

۲. مسئله شناسی

– شناخت مشکلی که حدیث در باره آن است، از راه معکوس سازی وضعیت مطلوب

۳. سبب شناسی

– شناخت عامل مشکل، از راه معکوس سازی عامل وضعیت مطلوب

مثال: من زهد فی الدنيا هانت علیه مصائبها ولم یکرهها تبدیل به چند جمله می شود:

من زهد فی الدنيا + هانت علیه مصائبها + ولم یکرهها که نتیجه زهد در دنیا این است که **هانت علیه مصائبها** و نتیجه این

هانت علیه مصائبها میشود **ولم یکرهها**

که اگر بخواهیم معکوس سازی کنیم اینگونه می شود:

من زهد فی الدنيا معکوس سازی اش می شود: **رغب فی الدنيا**: رغبته به دنیا

هانت علیه مصائبها ولم یکرهها معکوس سازی اش می شود: **کبرت علیه مصائبها و کرهها**: بزرگ شمردن مصیبتها و ناخرسندی از

آنها

۴. تنظیم یافته ها

– تبدیل یافته های مسئله شناسی و سبب شناسی به گزاره های روانشناختی

۵. تنظیم پرسش ها

– چرا رغبته به دنیا موجب افزایش فشار روانی می گردد؟

– چرا بی رغبتی به دنیا موجب کاهش فشار روانی می گردد؟

✓ سرآغاز حرکت تبیینی

مفهوم شناسی مشاوره از منظر قرآن و حدیث

بیان مسئله:

۱. مهمترین مفاهیم و واژگان که از طریق آنها می توان به مباحث مشاوره دینی در آیات و روایات نائل شد کدامند؟

۲. مهمترین اصول مشاوره دینی براساس این مفاهیم و ساختار معنایی چه می باشد؟

۳. ساختار معنایی مشاوره دینی چیست؟

منابع تحقیق:

۱. قرآن و تفاسیر مربوطه؛

۲. نهج البلاغه و سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛

۳. بحارالانوار و سایر منابع حدیثی.

ضرورت:

۱. مشکلات: تحصیلی، شغلی، خانوادگی، اخلاقی و اعتقادی؛

۲. نیاز به راهنمایی و مشاوره: مسئولیت و حمایت؛

۳. تأثیر بافت فرهنگی در مشاوره.

۴. آموزه‌های فراوان اسلام در زمینه مشاوره

تعریف واژگان اصلی:

۱. راهنمایی: جریان کمک به فرد در شناخت خود و محیط پیرامون خود به منظور یک انتخاب سنجیده، یک

تصمیم‌گیری معقول و سازگاری رضایت‌بخش در زندگی؛

۲. مشاوره: جریان تخصصی و تعاملی که در رابطه‌ی اورانه رویاروی بین شخص یا اشخاص مشکل‌دار که قادر به

حل آن نیستند (مراجع) و شخصی که از صلاحیت، قابلیت و توانایی کمک کردن برخوردار است

(مشاور) رخ می‌دهد و بر اثر آن گرفتاری و مشکل مراجع مشخص و پس از آن حتی‌الامکان برطرف

می‌گردد.

۳. مشاوره دینی (اسلامی): چارچوب و الگویی در مشاوره [مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها و فنون] که براساس

آیات و روایات استخراج شده باشد و یا حداقل پس از عرضه بر آیات و روایات مخالف آنها نباشد.

مفاهیم پایه در مشاوره دینی:

هدایت: از واژگان پربسامد در قرآن و حدیث است (حدود ۲۰۰ بار در قرآن آمده)، هدایت به معنای راهنمایی

از سر لطف و خیرخواهی است.

انواع هدایت:

۱) هدایت تکوینی: از طریق غریزه، فطرت، وجدان، عقل و فهم در همه موجودات (انسان و حیوان) است و

برای تدبیر زندگی است. «ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی» (طه / ۵۰)

۲) هدایت تشریحی: راهنمایی از طریق ارسال پیامبران و کتب آسمانی که به صورت «ارائه طریق» است و

اختصاص به انسان دارد. «وجعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا» (سجده / ۲۴)

۳) توفیق: صرفاً اختصاص به هدایت‌یافتگان مرحله دوم (هدایت تشریحی) دارد و به معنای «ایصال الی

المطلوب» است. «والذین اهتدوا زادهم هدی» (محمد / ۱۷)، «من یؤمن بالله یهد قلبه» (تغابن / ۱۱)

۴) راهیابی به بهشت: مرحله بعد ورود به بهشت است که برای اکثر افراد پس از مرگ حاصل می‌شود و تنها

مرحله‌ای است که در آن بازگشت وجود ندارد. «الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان

هدانا الله...» (اعراف / ۴۳)

اصول مشاوره دینی مستخرج از مفهوم و انواع هدایت:

۱) مشاوره دینی بر دستمایه‌های اولیه سرشتی فطرت استوار است.

۲) مشاوره دینی نیازهای غریزی و طبیعی انسان را پاس می‌دارد.

۳) مشاوره دینی بیشترین بهره را از قوای شناختی عقلانی مراجع می‌برد و مبنای آن فعال‌سازی، تصحیح و تقویت عقل است.

۴) تعالیم و آموزه‌های دینی انبیای الهی چارچوب محکمی برای پیشگیری از مشکلات و اختلالات روانی است و نیز روش‌ها و فنون مشاوره را رهنمون می‌باشد.

۵) هدایت‌یابی انسان مراتب و مراحل متعددی دارد که متناسب با هر مرتبه از فیوضات و الطاف معنوی الهی برخوردار می‌شود (توفیق).

۶) هدف غایی مشاوره دینی رسیدن به بالاترین مراتب هدایت و حیات طیبه (زندگی پاک) است، بنابراین تمام توصیه‌ها، روش‌ها و فنون در این چارچوب معنا می‌یابد.

افعال: رعایت حرام و حلال و طهارت و نجاست
صفات: تجلی فضایل اخلاقی و دوری از رذایل
باورها: تحقق توحید و دوری از شرک و کفر

مشورت و مشاوره:

در قرآن سه بار با تعبیر «شوری»، «شاورهم» و «تشاور» آمده و در احادیث بیشتر از صد مورد تکرار شده است، معنای آن «استخراج رأی» و گفتگو برای ظهور حقیقت است.

۱. فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الامر فاذا عزمتم فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين (آل عمران / ۱۵۹).

۲. والذين استجابوا لربهم واقاموا الصلاة وامرهم شورى بينهم و مما رزقناهم ينفقون (شورا / ۳۸)

۳. والوالدات يرضعن اولادهن حولين كاملين... فان ارادا فصلاً عن تراض منهما وتشاور فلاح جناح عليهما (بقره / ۲۳۳).

اصول مستخرج از آیات و سایر روایات عبارتند از:

۱. مشورت و رایزنی در امور مهم از سنت‌های مهم و رایج اسلامی است تا آنجا که در ردیف ایمان به خدا و به پا داشتن نماز قرار گرفته است.

۲. قلمرو مشورت و مشاوره «امر الناس» است یعنی اموری که خداوند در آنها حکم صریحی ندارد و تعیین و تدبیر آن را به مردم واگذار کرده است. بنابراین هیچگاه نتیجه مشاوره نیز نباید برخلاف صریح حکم الهی باشد.

۳. مؤمنان اهل رشد و عمل به واقع هستند و در بدست آوردن و استخراج نظر صحیح از همه امکانات عقلی و ارباب خرد استفاده می‌کنند.

۴. مشورت و مشاوره افزون بر استفاده از خرد جمعی و گسترش آگاهی، موجب جلوگیری از استبداد رأی، تکبر و خودبینی می‌شود و خطاها را کاهش می‌دهد.

۵. مشاوره امری خطاپذیر است، اشتباه و شکست موردی مانع استفاده از فواید بی‌شمار مشاوره نخواهد بود (جنگ احد) و لذا مشاوره سنت مستمر جامعه اسلامی است.
۶. همواره پس از مشورت یا مشاوره، در هنگام تصمیم‌گیری باید عزم را جزم و با قاطعیت و توکل بر خداوند اقدام نمود.
۷. مشاور از منظر آیات و روایات بهتر است این ویژگی‌ها را داشته باشد: عاقل، خداترس، خیرخواه، پارسا، امین، بردبار، بلندهمت، شجاع، دارای سعه صدر و صراحت لهجه، آگاه از معالم دین و شرایط زمان.
۸. مشاور حتی‌الامکان لازم است از این صفات به دور باشد: بخیل، ترسو، حریص، خائن، خودرأی، احمق، دروغگو، فرومایه، تحت فشار روحی یا جسمی.
- الرأی: به معنای اظهارنظر و دیدن با چشم یا بصیرت باطنی، رأی به معنای دیدگاهی است که یک فرد در موضوع خاصی دارد.
- امام علی (علیه السلام): من جهل وجوه الآراء اعیته الحیل (غرالحکم)
- امام صادق (علیه السلام): ثلاثه یستدلّ بها علی اصابه الرأی: حسن اللقاء، حسن الاستماع و حسن الجواب (بحار، ج ۷۸، ص ۲۳۸).
- امام علی (علیه السلام): من استبدّ برأیه هلک و من شاور الرجال شارکها فی عقولها (بحار، ج ۱۸، ص ۳۸۲).
- اصول قابل استخراج از آموزه‌های حدیثی «رأی» در باب مشاوره دینی:
۱. افزون بر مشاوره گروهی در خصوص مراجعان، می‌توان از مشاوره گروهی مشاوران سخنان گفت که درباب موضوعی به شور بنشینند و آرای مختلف جمع‌بندی شود.
 ۲. هرچه به سمت استبداد رأی و اکتفاء به دیدگاه فردی برویم، احتمال خطا بیشتر و هرچه از خرد جمعی کمک بگیریم، ضعف و کاستی و اشتباه کاهش می‌یابد.
 ۳. اظهارنظر صحیح در مشاوره براساس تأنی، دوراندیشی، سرپوشی، ملاقات نیکو با مراجع، خوب گوش دادن، دقیق پاسخ دادن و دوری از هوی پرستی بدست می‌آید.
 ۴. انعطاف‌ناپذیری (لجاجت)، خودمداری و قدرت سیاسی موجب لغزش دیدگاه است.
 ۵. اولویت‌بندی مسائل و مشکلات مهم‌تر، استفاده از آراء پیران و افراد با تجربه و پرهیز از مخالفت با شریعت جنبه راهبردی دارد.

مفاهیم پیرامونی مشاوره دینی:

این مفاهیم فضای پیرامون مشاوره را روشنی می‌بخشند و جایگاه و شرایط الگوی مشاوره مطلوب و موفق را از منظر دینی تبیین می‌کنند:

النصیحه: خیر خواهی، از لوازم خیر خواهی توجه عمیق به مشکلات مراجع است.

الموعظه: در فضای مشاوره با روش مناسب می‌توان از مضامین عاطفی پند و اندرزها برای تأثیرگذاری در مراجع استفاده کرد.

الاستخاره: نوعی دعا و طلب خیر از خداوند است که بهتر است قبل از مشاوره باشد (زمینه‌روان‌شناختی مراجع را آماده می‌سازد).

المسئلیة: توجه به مشکلات دیگران مسؤلیت همگانی است.

الفتوی: اظهار نظر و رأی دادن در مشاوره باید بر اساس علم و اطلاع کافی باشد.

الاخوة: مؤمنان همه باهم برادرند و در جهت «ارشاد الاخوان» و «قضاء حاجة الاخ» باید اهتمام داشته باشیم. مفاهیم «مجالسته»، «الصدیق»، و «حقوق الاخوان» نیز در همین باب می‌آید.

بر: قطعاً مشاوره یکی از مصادیق «تعاونوا علی البرّ والتقوی» است.

الحبّ فی الله: این احساس نسبت به همه مراجعان موجب توجه مثبت بدون شرط و اعتماد مراجعان خواهد بود.

احسان: نیکی کردن به دیگران بدون توقع موجب جلب محبت و اعتماد مراجعان است.

توکل: مراجع لازم است برای سهولت در تصمیم‌گیری و اجرا پس از مشاوره از تکنیک توکل کمک بگیرند.

ساختار معنایی مشاوره دینی:

.....
نگاهی اجمالی به رشد در روان شناسی

کودک متولد می شود

- وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا
- وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ
- وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۸)

رشد حرکتی

- پیشرفت در هماهنگی عضلانی را که برای فعالیت های جسمانی ضروری است را رشد حرکتی می نامیم.
- مهارت های حرکتی اساسی:
- چنگ زدن و دسترسی به اشیاء
- دستکاری کردن اشیاء
- نشستن
- سینه خیز رفتن
- راه رفتن

- دویدن و مواردی
- پشتک و وارو زدن تا حرکات بسیار ظریف

اصول رشد

- گرایش سری - پایی: کودکان قبل از قسمت پایین بدن بر قسمت بالای بدنشان کنترل کسب می کنند.
- گرایش مرکزی - پیرامونی: کودکان قبل از دست و پا، بر تنه خود کنترل کسب می کنند.
- رشد محوری: maturation: یعنی رسیدن به نقطه از قبل تعیین شده به عبارت دیگر یعنی شکوفا شدن تدریجی نقشه ژنتیکی فرد.
- رشد حاصل تغییرات جسمانی مانند رشد کردن مغز و اندام های بدن می باشد.
- پژوهش های جدید نوباوگان را ارگانیزم های فعال می دانند که به دلیل کاوش پیوسته محیط رشد می کنند.

تفاوت کودکان در سرشت

- خلق ویژه، سطح فعالیت و واکنش پذیری هیجانی را سرشت یا constitution می نامند.
- پژوهش های طولی نشان می دهند که
- نوباوگان از همان اوائل زندگی، از لحاظ هیجانی، فعالیت، فعالیت، و حساسیت نسبت به محرک های محیطی با یکدیگر تفاوت دارند.
- الکساندر توماس Alexander Thomas و استلا چس Stella Chess در یافتند که سرشت در دو سه ماهگی تثبیت می شود.

سه سرشت متفاوت در کودکان

- توماس و چس سه نوع سرشت را در اغلب کودکان شناسایی کردند:
- (کودکان راحت (۴۰ درصد)
- شاد، برخوردار از خواب و خوراک منظم، سازگاری پذیری و به آسانی ناراحت نشدن.
- کم جنب و جوش (۱۵ درصد): نشاط کمتر، خواب و خوراک نامنظم و ناسازگاری کندتر.

کودکان دشوار (۱۰ در صد): خواب و خوراک نامنظم، مقاوم در مقابل تغییر و نسبتاً تحریک پذیر
۳۵ در صد باقی آمیزه ای از این سه سرشت را نشان می دادند.

رشد دلبستگی

دلبستگی attachment پیوند هیجانی که بین بچه شیر خوار و مادر و یا یک شخص بالغ دیگر پدید می آید به گونه ای کودک:

- ۱) موقع ناراحتی به آن ها پناه می برد.
- ۲) از آنان نمی ترسد، بخصوص در مرحله ای که وجود بیگانه اضطراب انگیز است.
- ۳) نسبت به مراقبت شدن توسط آن ها علاقه نشان می دهد.
- ۴) موقع جدایی از آن ها دچار تنش و اضطراب می شود

چگونگی پدیدایی دلبستگی میان مادر و کودک

- در دم تولد ظاهراً دلبستگی میان کودک و مادر وجود ندارد بطوریکه بدون هیچ نگرانی میتوان آن را به غریبه ها سپرد.
- دلبستگی تا حدود ۶-۸ ماه سازمان می یابد.
- در این سن کودک در صورت جدایی اعتراض می کند. همین ناراحتی ها را که کودک اظهار می کند اضطراب جدایی می نامند.
- اضطراب جدایی معمولاً بین ۱۴ تا ۱۸ ماهگی به اوج می رسد و بعد به تدریج فروکش می کند.
- تحقیقات نشان می دهد مادرانی که به نیازهای فرزندانشان پاسخ می دهند و دلسوز هستند در مقایسه با مادرانی که در پاسخ دهی بی ثبات هستند و بی تفاوت می باشند، دلبستگی نیرومندتری در فرزندان خود ایجاد می کنند.

انواع دلبستگی

- ایمن: دلبستگی دارد ولی نگران جدایی از موضوع دلبستگی نیست.
- مضطرب - مردد: دلبستگی که در وقت جدایی اضطراب شدید در کودک به وجود می آورد.
- اجتنابی: به دنبال تماس کمی با مادرشان هستند.

● طبق تعریف آلپورت « شخصیت عبارت از سازمانی پویا در درون فرد می باشد که از نظام های روانی جسمی تشکیل شده و الگوهای شاخص رفتار، افکار و عواطف فرد را به وجود می آورد».

● اولین نظریه رشد شخصیت مربوط به فروید است. او معتقد بود شالوده شخصیت فرد در ۵ سالگی ریخته می شود.

● اریک اریکسون بر این باور بود رویدادهای اوائل کودکی تأثیر دایمی بر شخصیت بزرگسال دارند، ولی او بر این باور بود که شخصیت در طول عمر به رشد خود ادامه می دهد.

● نظریه های شخصیت به دو دسته مرحله ای و غیر مرحله ای تقسیم می شوند.

● نظریه های مرحله فرض می کنند که الف) افراد باید مراحل مشخصی را به ترتیب خاص طی کنند، زیرا هر مرحله بر اساس مرحله قبل قرار دارد، و ب) پیش روی در این مراحل رابطه نیرومندی با سن دارد.

مراحل رشد روانی اجتماعی اریکسون

■ اعتماد در برابر بی اعتمادی تولد تا ۱ سالگی

■ خود مختاری در برابر شرم و تردید ۱ تا ۳ سالگی

■ ابتکار در برابر گناه ۳ تا ۵ سالگی

■ سخت کوشی در برابر حقارت ۶ تا ۱۱ سالگی

■ انسجام هویت در برابر سردر گمی نقش ۱۲ تا هیجده سالگی

■ صمیمت در برابر انزوا ۱۸ تا ۳۵ سالگی

■ زاینده گی در برابر رکود ۳۵ تا ۵۵ سالگی

■ انسجام خود در برابر ناامیدی ۵۵ سالگی به بعد.

رشد شناختی

● رشد شناختی : تغییرات در نحوه تفکر کودکان، از جمله استدلال، یادآوری، و حل مسأله اشاره دارد.

● پیازه دانشمند فرانسوی Jean Piaget (۱۸۹۶-۱۹۸۰) رشد شناختی انسان را بررسی کرد.

● او معتقد بود تغییرات شناختی انسان مرحله ای است.

● یعنی تغییرات شناختی انسان کیفی می باشد.

● پیازه معتقد بود که کودکان به طور فعال دنیای اطراف خود را کاوش می کنند و تعامل با محیط و رشد به تدریج نحوه فکر کردن آن ها را تغییر می دهد.

مراحل رشد شناختی پیازه

(۱) حسی - حرکتی sensorimotor

(۲) پیش عملیاتی preoperational period

(۳) عملیات عینی concrete operational period

(۴) عملیات صوری formal operational period

مرحله حسی - حرکتی

✍ خود را از اشیاء اطراف تمیز می دهد.

✍ خود را به عنوان عامل (فاعل) اعمال خویش باز می شناسد و شروع به فعالیت هدفمند می کند. برای مثال ریسمانی را می کشد تا شیء قابل حرکتی را به حرکت در آورد، یا جغجغه ای را تکان می دهد تا صدا ایجاد کند.

✍ به مفهوم پایداری شیء دست می یابد: درک می کند که اشیاء حتی وقتی حواس را تحریک نمی کنند باز هم وجود دارند.

مرحله پیش عملیاتی ۲-۷ سال

✍ استفاده از زبان و بازنمایی اشیا به صورت تصویر ذهنی را واژه را یاد می گیرد.

✍ تفکرش هنوز خودمحور است: نگرستن از دید دیگران برایش مشکل است .

✍ اشیاء را بر حسب یک ویژگی طبقه بندی می کند. به عنوان مثال همه قطعات چوبی قرمز را صرف نظر از شکل آن ها یا تمام قطعات چوبی مربعی شکل صرف نظر از رنگ آن ها ، در یک گروه قرار می دهد.

می تواند در باره اشیاء و رویدادها به طور منطقی فکر کند.

به نگهداری عدد (۶) سالگی، جرم (۷) سالگی و وزن (۹) سالگی دست می یابد.

اشیاء را بر حسب چند ویژگی طبقه بندی می کند و می تواند آن ها را بر حسب بعد معینی نظیر اندازه ردیف کند.

مرحله عملیات صوری ۱۱ سالگی به بعد

می تواند به طور منطقی در باره گزاره های انتزاعی فکر کند و به طور نظامدار به آزمون فرضیه ها پردازد.

به مسایل فرضی، آینده و جهان بینی می پردازد.

رشد استدلال اخلاقی لارنس کلبرگ

کلبرگ سه سطح رشد اخلاقی را برای افراد به دست آورد.

این سه سطح هر کدام دو مرحله دارد.

بنابراین جمعاً شش مرحله حاصل می شود.

در هر مرحله روش تفکر متفاوتی را در مورد درست و غلط نشان می دهد.

سطوح رشد اخلاقی کلبرگ

(۱) پیش عرفی **preconventional level**

- جهت گیری تنبیه
- جهت گیری تشویق

(۲) عرفی **conventional level**

- جهت گیری پسر خوب / دختر خوب
- جهت گیری صاحبان قدرت

(۳) پس عرفی postconventional level

- جهت گیری قرار داد اجتماعی
- جهت گیری اصول اخلاقی و وجدان فردی

نوجوانی

- (۱) دوره بین کودکی و بزرگسالی را نوجوانی می گوئیم.
 - (۲) در این دوره تغییرات جسمانی و تغییرات مربوط به رشد هیجانی و شخصیت واقع می شود.
 - (۳) در حدود ۱۱ سالگی در دختران و ۱۳ سالگی در پسران رشد سریع واقع می شود.
 - (۴) ویژگی های جنسی ثانوی نمودار می شود
 - (۵) به تدریج ویژگی های جنسی اصلی کامل می شود که در مردان با شروع احتلام و در زنان با اولین قاعدگی آغاز می شود.
- آیا نوجوانی دوره آشوب است ؟

- (۱) جی استنانلی هال در اوائل قرن بیستم این دوره را دوره آشوب دانست.
- (۲) اقدام به خودکشی در این دوران زیاد است.
- (۳) اعتقاد بر آن است این دوره آشوب بیشتری دارد.

رویدادهای مهم بزرگسالی

- (۱) یک امر مهم در بزرگسالی آن است که شخصیت در بزرگسالی چقدر با ثبات است.
- (۲) در میان سالی مسأله ای به نام بحران میانسالی مطرح است. زیرا میانسالی زمان نگاه کردن به گذشته است که در طی عمر چه کرده ام.
- (۳) تحولات در زندگی خانوادگی
- (۴) سازگاری با زندگی زناشویی
- (۵) سازگاری با پدر - مادری
- (۶) پیری و تغییر جسمانی
- (۷) پیری و تغییرات شناختی